روزنه

منشور عمل و مطالبه

صالح نقره‌کار

● سالگرد نخست منشور حقوق شهروندی و سخنرانی رئیس‌جمهوری در کنار موضوعاتی چون آلودگی هوا و زلزله و بگومگوهای اختصاص بودجه، یک دلالت مشترک دارد و آن اینکه: مردم حق دارند بپرسند، بخواهند، نقد کنند، مخالفت بورزند، تردید کنند، قبول نداشته باشند، دلیل بخواهند، مجاب نشوند، بازخواست کنند و... . ازجمله:

۱. مردم حق دارند بدانند دولت در راه گسترش رفاه و رفع محرومیت و تأمین بهینه سفره ضعفا چه کرده است؟ چقدر دردمند فقرا و محرومان بوده و چه اقدامات تأمینی‌ای برای استیفای حقوق نیازمندان جامعه انجام داده است.

۲. مردم حق دارند بدانند دولت چقدر برای شفافیت و صداقت با مردم تمهید کرده و چقدر توابع خود را مجبور به ارائه اطلاعات و دسترسی آزاد عمومی به آن کرده است؟ چقدر بر پنهان‌خانه‌ها نورافکن شفافیت تابانده و مشت‌های چه مفسدانی را گشوده و چه میزان به جای ژن‌های خوب از استعدادهای درخشان به نفع مصالح عمومی بهره گرفته است.

۳. مردم باید درک کنند و متقاعد شوند که آیا دولت برای بحران آب و فاجعه زیست‌محیطی و بحران خشک‌سالی و خشک‌شدن دریاچه ارومیه و بحران تالاب‌ها عملکرد مؤثری داشته است؟ کجاها در برابر پیمانکاران و گردن‌کلفت‌ها که فکر می‌کنند می‌توانند با پول، ساحل و جنگل و حریم رودخانه و... را بخرند، ایستادگی کرده است؟

۴. مردم باید بفهمند بودجه اختصاصی دولت به نهادها و ارگان‌ها چقدر مقارن و منطبق با خیر عمومی آنهاست. چقدر با نیاز آنها تناسب دارد؟ کجای سفره و زندگی آنها جای دارد؟ چگونه خرج می‌شود. برای چه کسانی منفعت اضافه دارد و چه کسانی از حق خود واقعا محروم می‌مانند؟

۵. مردم باید بدانند دولت برای بی‌قانونی برخی دستگاه‌های مدعی اقتصاد یا اشتغال یا سلامت و... چه تدارکی دیده و چگونه دست رانت‌بازان را قطع می‌کند. ضدانحصار و ضدقاچاق‌بودن دولت در عمل چگونه برای مردم لمس می‌شود؟

۶. حق مردم است که ملتفت شوند رجال سیاست خارجی چقدر به‌نفع آنها نشست و برخاست کرده و از منافع ایران برای صلح و چرخش اقتصاد و رفع تحریم بهره برده‌اند. ایرانیان خارج از کشور را چقدر بی‌پناه رها نکرده و حمایت ورزیده‌اند.

۷. مردم باید قانع شوند که بودجه آموزش‌وپرورش و آموزش عالی صرف آموزش‌های مفید و مؤثر برای شهروندان اخلاقی و توسعه‌یافته می‌شود یا سیستم به‌روزنشده آموزشی هزینه‌بردار غیرمولد را تأمین اعتبار می‌کند؟ مردم باید درک کنند دولت برای فرار مغزها و بحران مهاجرت استعدادها چقدر تدبیر کرده است؟

۸. مردم حق دارند بدانند دولت برای مهار بحران‌ها و حوادث و سوانح طبیعی و خشک‌سالی و آلودگی هوا و ترافیک و سیل و زلزله و نابسامانی‌ها چقدر مدبر و آینده‌نگر بوده و قوه عاقله عمومی چقدر به‌جای مردم فکر کرده تا مصائب در موعد بحران را کنترل و تأمین کند؟

۹. باید مطالبه کنیم راهبردها برای افزایش مشارکت مردمی و جلب اعتماد عمومی برای اعمال حق تعیین سرنوشت و دفاع از رأی مردم بی‌طرف در انتخابات و سلامت و آزادی روندها و فرایندها و قانون به‌روزرسانی‌شده آن چقدر مورد توجه دولت بوده و چه می‌کند تا مسائلی نظیر مینو خالقی و سپنتا نیکنام و... تکرار نشود و خصوصا حق اقلیت‌ها و قومیت‌ها محفوظ و محترم بماند؟

این همه مشتی نمونه خروار است؛ مردم اما آنچه باید بدانند سه ساحت مطالبه و نظارت و مشارکت است. نق‌نقوبودن یا ناامیدانه تحلیل‌کردن حتما بد است؛ امید بذر هویت ایرانی است و باید صبور و امیدوار عملکرد مدیریت و شیوه دید خود را اصلاح کنیم. کشور توسعه‌یافته و اخلاقی و موفق یافتنی نیست. با هم باید ایران را بسازیم. نسخه منشور حقوق شهروندی ما را در ساختن ایران عزت‌مند و کرامت‌باور و فضیلت‌گرای مردم‌سالار دیانت‌پیشه مدد می‌رساند. اگر به فکر اصلاح و نه نفی و هدم یکدیگر باشیم. حکومت و جامعه مدنی و بخش خصوصی بازیگران مؤثر این تغییر اصلاحی هستند و همه متشکل از یکایک ما مردم. آنگاه که مطالبات خود را سامان‌مند حول منشور کنیم، کارآیی دولت بیشتر خواهد بود. دولت در نقش تنظیم‌کننده و مقررات‌گذار (رگولاتور) با رعایت حقوق بنیادین و استحقاق‌های شهروندی در محدوده موازین حکمرانی خوب و روزآمد می‌تواند بهتر از آنچه تاکنون ظاهر شده است، قدم بردارد». دولت توانای توان‌مندساز، هم خود را و هم جامعه مدنی را تقویت می‌کند تا در یک همبستگی جامع شاخص‌های برخورداری از حقوق شهروندی را ارتقا دهد و ما امروز به این مهم نیازمندیم. دولت آغاز راه نیست. باید بیشتر و زودتر تلاش کنیم. سرعت مطلوب نیست که «فی‌الحرکات برکات».

politics@sharghdaily.ir

علی یونسی: روحانی برای اجرای منشور حقوق شهروندی هزینه داده

ایرنا: دستیار ویژه رئیس‌جمهوری در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی گفت: رئیس‌جمهوری برای اجرای منشور حقوق شهروندی هزینه داده است و تا آخر پای آن خواهد ایستاد. حجت‌الاسلام علی یونسی در نشست شب یلدای حزب ندای ایرانیان با بیان اینکه رئیس‌جمهوری در اجرای منشور حقوق شهروندی بسیار جدی به صحنه آمده است، افزود: حقوق شهروندی از مهم‌ترین شعارهای روحانی بود. او به این مسئله توجه داشت که حقوق شهروندی یک مطالبه ملی است. او ادامه داد: روحانی با بهره از همین منشور حقوق شهروندی توانست رأی بالایی کسب کند. البته سلیقه بد رقیب‌های او هم در این امر تأثیرگذار بود. یونسی تصریح کرد: همان ابتدا به دولت پیشنهاد شد که از خودش شروع کند و تلاش کند تا نقض حقوق شهروندی را بین دولتی‌ها به حداقل برساند و بعد از یک سال بیاید در این زمینه پاسخ‌گو باشد. اگرچه هنوز روند و سازوکاری برای سؤال از رئیس‌جمهوری وجود ندارد؛ اما رئیس‌جمهوری تا حدی توانست در این حوزه موفق شود. روحانی در اجرای منشور حقوق شهروندی جدی است و حاضر است برای آن هزینه دهد. وزیر اسبق اطلاعات، تعامل قوه مجریه و قوه قضائیه درباره اجرای منشور حقوق شهروندی را ضعیف خواند و گفت: وزیر دادگستری باید این تعامل را ایجاد کند. متأسفانه تاکنون این امر محقق نشده است. وزیر قبلی تلاش کرد؛ ولی ناکام بود. باید منتظر ماند و دید وزیر فعلی دادگستری در این راستا چه می‌کند. او با دفاع از عملکرد دولت در زمینه اقلیت‌ها بیان کرد: پیشنهاد کردیم اهل سنت در مناطق خودشان در مراکز حضور داشته باشند، این پیشنهاد را به رئیس‌جمهوری ارائه دادیم و او هم آن را ابلاغ کردند تا برای اولین بار در ایران یک اهل سنت کُرد سفیر و معاون شود. یونسی افزود: اوایل دولت خیلی‌ها می‌گفتند اقلیت‌ها تهدید است؛ ولی من آنها را فرصت می‌دانستم و معتقد بودم اقلیت‌ها صاحب حق هستند. الان دیگر بین اقلیت‌ها این بحث‌ها وجود ندارد و همه طرفدار حقوق اقلیت‌ها هستند.

رئیس‌کل دادگستری تهران در واکنش به شایعه آزادی زودهنگام خبر داد

پرونده تازه نازنین زاغری

لیلا ابراهیمیان: بار دیگر اخبار مربوط به پرونده «نازنین زاغری» مرکز توجه خبرگزاری‌ها قرار گرفت. به گزارش «فارس»، روز پنجشنبه «ریچارد رتکلیف»، همسر نازنین زاغری، از شرایط آزادی زودهنگام او خبر داد. همچنین وکیل‌مدافع زاغری خبر داد موکلش در چند هفته آینده آزاد می‌شود؛ اما این گفته‌ها چند ساعت بعد از سوی رئیس‌کل دادگستری استان تهران تکذیب شد.

غلامحسین اسماعیلی درباره پرونده زاغری گفت: «هنوز جلسات دادگاه برگزار نشده و حکمی هم صادر نشده است؛ چون حکمی صادر نشده، ما نمی‌توانیم پیش‌داوری کنیم». او به «میزان» گفته: «نازنین زاغری دو پرونده دارد، یکی پرونده محکومیت و پرونده دیگری هم در دادگاه دارد که هنوز جلسات دادگاه برگزار نشده و حکمی هم صادر نشده است؛ چون حکمی صادر نشده، ما نمی‌توانیم پیش‌داوری و اظهارنظر کنیم. دادگاه متناسب با اتهامات مطروحه در پرونده و دفاعیات، حکم خواهد داد؛ حکم دادگاه ممکن است محکومیت باشد و ممکن است برائت باشد. اگر محکومیت باشد، پیش‌بینی نمی‌توان کرد میزان محکومیت چقدر خواهد بود و در نتیجه چه تاریخی برای آزادی این فرد پیش‌بینی می‌شود. باید به‌عنوان مرجع قضائی صبر کنیم تا دادگاهی که مسئول رسیدگی به این پرونده است، در موعد مقرر خود رسیدگی و حکم را صادر کند. آنجاست که {می‌توان} در ارتباط با آینده این فرد اظهارنظر صریحی کرد». اسماعیلی همچنین به خبرگزاری «تسنیم» گفته است: «هیچ‌کدام از ادعاهایی که رسانه‌های غربی تاکنون درباره این پرونده مطرح کرده‌اند، مورد تأیید مراجع قضائی نیست. چنان‌چه در این ارتباط برابر ضوابط و مقررات تصمیمی گرفته شود، از ناحیه مراجع قضائی جمهوری اسلامی ایران یا مراجع دیپلماسی اعلام می‌شود».

نازنین زاغری کیست؟

نازنین زاغری-رتکلیف، شهروند دوتابعیتی ایرانی-بریتانیایی، ۳۸ساله است؛ همسر ریچارد رتکلیف و مادر «گابریلا» یا گیسو رتکلیف؛ مدیر پروژه «بنیاد تامسون‌رویترز». او پانزدهم فروردین ۱۳۹۵ در فرودگاه امام خمینی تهران هنگام خروج از کشور از سوی سپاه ثارالله کرمان دستگیر و به کرمان منتقل شد. سپاه ثارالله کرمان ۲۶ خرداد سال ۹۵ در اطلاعیه‌ای از این دستگیری به‌عنوان «دستگیری یکی از سرشبکه‌های اصلی وابسته به بیگانگان که مأموریت‌های مختلفی در راستای تحقق اهداف شوم دشمنان نظام انجام داده بود»، یاد کرد و دراین‌باره توضیح داد: «او با عضویت در شرکت‌ها و مؤسسات بیگانه در طراحی و اجرای پروژه‌های رسانه‌ای و سایبری با موضوع براندازی نرم نظام مقدس جمهوری اسلامی مشارکت داشته است. نام‌برده یکی ازسرشبکه‌های اصلی مؤسسات معاند بوده که تحت هدایت و حمایت سرویس‌های رسانه‌ای و جاسوسی دولت‌های بیگانه فعالیت‌های مجرمانه خود را طی سالیان گذشته انجام داده است». مدتی بعد غلامحسین محسنی‌اژه‌ای دلیل بازداشت زاغری را مسائل امنیتی عنوان کرد. پرونده زاغری بعد از آن به تهران منتقل شد. بعد از مدتی، شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب زاغری را به پنج سال حبس محکوم کرد و این محکومیت در دادگاه تجدیدنظر تأیید شد.

جرم کدام است؟

از آموزش خبرنگاری تا جرائم امنیتی؛ ۲۵ مهر امسال عباس جعفری‌دولت‌آبادی درباره پرونده نازنین زاغری گفت: «شوهر او تبعه انگلستان و خودش نیز دارای تابعیت مضاعف از انگلستان بوده و در سیستم آن کشور فعالیت می‌کرده است. وی مسئول آموزش خبرنگاری آنلاین بی‌بی‌سی فارسی بوده که با هدف جذب و آموزش افرادی برای فعالیت تبلیغی علیه ایران اقدام کرده است. چگونگی استفاده از ایمیل مستعار، پسوردهای پیچیده و طولانی، ذخیره‌سازی پسوردها و استفاده از نرم‌افزارهای رمزنگاری مطالب و اطلاعات، ازجمله مواردی است که در این آموزش‌ها لحاظ می‌شده است و استادان این دوره، افرادی مانند مهدی یحیی‌نژاد (مدیر سایت بالاترین)، اردوان روزبه (رادیو کوچه) و محمود عنایت (مدیر گروه اسمال‌مدیا) هستند».

از نامه کامرون تا سفر جانسون

نخست‌وزیر سابق انگلستان پیگیر پرونده زاغری بود؛ پرونده او بارها در دستور پیگیری مقامات سیاسی انگلستان قرار گرفته است؛ تیر سال ۱۳۹۵ بود که ریچارد رتکلیف به دیوید کامرون نامه نوشت و در آن دولت کشورش را به اقدامات بیشتر برای آزادی همسرش ترغیب کرد. رتکلیف در نامه به کامرون، نخست‌وزیر مستعفی بریتانیا، او را به پیشبرد پرونده همسرش پیش از ترک سمت خود ترغیب کرد. او همچنین گفت قصد دارد با «ترزا می»، جانشین دیوید کامرون، نیز تماس برقرار کند. این نامه در ایران واکنش‌هایی به‌همراه داشت. جعفری‌دولت‌آبادی ارسال نامه از سوی دیوید کامرون را مؤید ارتباط او با دولت انگلستان و اهمیت این متهم برای آن کشور دانست. کامرون در ۱۳ جولای ۲۰۱۶ بعد از ماجرای «برگزیت» و رأی‌آوردن طرح جدایی انگلستان از اتحادیه اروپا، از سمت نخست‌وزیری استعفا داد و «ترزا می» به جای او انتخاب شد.

و اما جانسون...

پرونده زاغری برای وزیر خارجه انگلستان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ شاید این پرونده برای او بدل به یک پرونده شخصی شده و اعتبار سیاسی‌اش به آن گره خورده باشد. بوریس جانسون، روزنامه‌نگار سابق، شهردار پیشین و تاریخ‌نگار بریتانیایی، امروز در کسوت وزیر امور خارجه انگلستان قرار گرفته است. او نهم آبان‌ماه درباره زاغری اظهارات جنجال‌آفرینی بر زبان آورد؛ اظهاراتی که به بی‌تدبیری او تعبیر شد و در نهایت جانسون را مجبور به عذرخواهی کرد. جانسون در مجلس عوام بریتانیا گفته بود: «نازنین زاغری هنگام دستگیری در ایران مشغول آموزش روزنامه‌نگاران بوده است». این در حالی است که خانواده او مدعی هستند که او در آخرین سفرش به ایران تنها برای دیدار خانواده‌اش رفته بوده و حتی کارهای خیریه بنیاد تامسون رویترز را که کارمند آنجاست انجام نمی‌داده است.

همه مخالفان جانسون

بعد از اظهارات جانسون درباره پرونده زاغری، همسر زاغری گفت که جانسون باید در یک بیانیه رسمی آنچه را گفته است، پس بگیرد. به گفته همسر زاغری، بدترین کاری که جانسون کرده این بوده که پس از این سخنان سکوت اختیار کرده و مشکلی را به وجود آورده بدون آنکه درباره آن شفاف‌سازی کند. «ونیک ویلا»، مدیر اجرائی بنیاد تامسون رویترز، هم گفت که خانم زاغری در سال ۱۳۹۵ صرفا برای دیدار با اعضای خانواده خود به ایران سفر کرده بوده و از بوریس جانسون خواست که «اشتباه جدی» خود را تصحیح کند. بعد از آن «لئام فاکس»، وزیر تجارت بین‌الملل بریتانیا، گفت که این سخن «از دهان جانسون پریده است و همه ما دچار لغزش زبانی می‌شویم»، اما «تولیپ صدیق»، نماینده حزب کارگر از حوزه انتخاباتی محل زندگی زاغری در پارلمان بریتانیا، این سخنان را قابل‌قبول ندانسته و بوریس جانسون را «فاقد درک پایه‌ای در این موضوع مهم» دانست. این اظهارات و مخالفت‌ها باعث شد که یک‌بار دیگر جانسون در تیررس انتقادها قرار بگیرد و بگوید: «من نمی‌خواستم به اتهامات نازنین زاغری اعتبار دهم». او از آن لحظه به‌بعد مجبور شد برای اعاده حیثیت سیاسی خود به طور جدی برای حل‌وفصل پرونده زاغری تلاش کند. بعد از مدتی جانسون با محمدجواد ظریف درباره پرونده زاغری گفت‌وگو کرد؛ طوری که این پرونده به یکی از محورهای گفت‌وگویش در سفر رسمی به تهران بدل شد؛ حتی قبل از آمدن به تهران می‌خواست با رئیس قوه قضائیه ملاقاتی داشته باشد؛ خواستی که ممکن نشد. «جرمی کوربین»، رهبر حزب مخالف دولت، هم از بوریس جانسون انتقاد کرد و از ترزا می، نخست‌وزیر بریتانیا، خواست جانسون را اخراج کند. کوربین با اشاره به اظهارنظرهای جنجال‌برانگیز جانسون نوشت: «او مدت زیادی است که اسباب شرمساری ملی بریتانیاست؛ بی‌کفایتی و فقدان حساسیت فرهنگی آقای جانسون به کشور لطمه زده و او باید برکنار شود».

گزارش سفر جانسون

جانسون بعد از بازگشت از تهران به لندن، مجبور شد درباره نتیجه تلاش خود درباره پرونده زاغری بیانیه‌ای منتشر کند: «من باید پارلمان را مطلع کنم که با آقای ظریف، وزیر امور خارجه ایران، درباره پرونده خانم نازنین زاغری ـ راتکلیف گفت‌وگو کردم. من ناراحتی خود را نسبت به رنج‌کشیدن وی و بی‌گناهی خانواده‌اش ابراز کرده و امیدوارم که راه‌حلی سریع حاصل شود. من همچنین نگرانی خود را درباره اینکه اظهارات هفته گذشته خود در کمیته روابط خارجی مشکلی برای پرونده خانم زاغری ـ راتکلیف ایجاد کرده است، اعلام کردم». او در بخشی از بیانیه خود عنوان کرد: «من خاطرنشان کردم که با دیدگاه ایران مبنی‌بر اینکه آموزش خبرنگاری یک جرم است، مخالفم و نمی‌خواستم به اتهامات ایران مبنی‌بر اینکه خانم زاغری ـ راتکلیف در چنین فعالیت‌هایی مشارکت داشته، اعتباری بدهم. من می‌پذیرم که اظهارات من می‌توانست شفاف‌تر باشد و از انجام این شفاف‌سازی خرسندم. آقای ظریف نیز به من گفت که هر تحول جدیدی در این پرونده، ارتباطی با اظهارات من در پارلمان ندارد و وی به تلاش برای یافتن راه‌حلی بر اساس دلایل بشردوستانه ادامه خواهد داد».

اما بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه، درباره اظهارات جانسون اعلام کرد: «با توجه به مسائل انسان‌دوستانه این موضوع را با مقامات سیستم قضائی ایران پیگیری و دنبال می‌کند، یک مسئله قضائی و محکومیت است و نهایتا در اختیار سیستم قضائی است. با توجه به تفکیک قوا باید در سیستم قضائی این موضوع دنبال شود و ببینیم چه خواهد شد».

حالا بار دیگر پرونده زاغری مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته است؛ آیا او کریسمس به خانه خود بازمی‌گردد یا باید منتظر بماند؛ منتظر اتمام دوره محکومیت قبلی و تعیین سرنوشت پرونده جدید خود. آیا مذاکرات جانسون در ایران نتیجه‌بخش بوده است؟ باید منتظر ماند.

گزارش «شرق» از پروژه‌های دولت برای مبارزه با ریزگردها

خوزستان؛ همچنان در شرایط جنگ

شرق: «گردوغبار» و «ریزگرد» شما را یاد کجا می‌اندازد؟ اولین نامی که در ذهن نقش می‌بندد، «خوزستان» است. برای پرسیدن حال این استان جنوبی کشور، باید رفت و دید مصیبتی را که این بلای طبیعی بر سر مردم آورده است؛ از بیماری و مهاجرت گرفته تا اعتراض مردم به دولت. محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت، قول سفر به استان خوزستان را مدت‌ها پیش به خبرنگاران داده بود و بالاخره وفا کرد. روزی که رفتیم، اواخر پاییز بود؛ اما نمی‌دانم از خوش‌شانسی یا بدشانسی ما (و کاش همیشه هوای جنوب چنین بماند)، هوای بهاری و گرمای تابستان را تجربه کردیم و از گردوغبار خبری نبود. مسئولان شهر اما باید کار و چاره خود را برای اتفاقات ناگریز از ریزگرد ادامه دهند. سال‌هاست خوزستان اسیر گردوغبار دشت‌های خود و همسایه شده است. راه چاره را باید از جایی شروع کرد؛ چه آنجا که گاه مجبور به تعطیلی شهرها شده‌اند و چه حالا که برای حداقل قطع‌نشدن برق، راه چاره اندیشیده‌اند. سال گذشته بود که ریزگردها (به خاطر رطوبت و چسبندگی‌ای که دارند)، سیستم برق استان را دچار اختلال کردند و چندین شهر را خاموش. برق که نبود، تصفیه‌خانه‌های شهر هم از کار افتادند و آب هم رفت. امسال اما خطوط انتقال پست برق اهواز را ایمن کرده‌اند. دکل‌ها را شست‌وشو داده‌اند و با استفاده از دستگاه‌های جدید، نیازی به قطع موقت برق هم نبوده است. مسعود قنواتی، معاون بهره‌برداری شرکت برق خوزستان، جوری توضیح می‌دهد که شیرفهممان کند: «ما دکل‌ها را تخصصی شست‌وشو می‌دهیم، سپس روی مقره‌ها پوششی عایقی می‌پاشند تا گردوخاک روی آنها نقش رسانا را بازی نکند». او می‌گوید امسال مانند سال گذشته قطعی برق نداریم؛ اما مشکلات را هم کم نمی‌داند: «دکل‌هایی هم در زمین‌های کشاورزی قرار دارد، اجازه نداریم وارد آن زمین‌ها شویم و همین کار را سخت می‌کند». شست‌وشو تنها کار مسئولان منطقه نبوده است، قنواتی از پروژه مالچ‌پاشی در پنج سال گذشته و نهال‌کاری حدود چهار هزار هکتار هم گفت.

جنگ با منشأ داخلی ریزگردها

کانون خود ریزگردها نیز مهم است؛ منطقه‌ای حدودا ۱۲۰هزارهکتاری در جنوب‌شرق اهواز که منابع طبیعی استان نیز در آنجا فوق‌برنامه شناخته شده و در حال انتقال آب کارون برای نهال‌کاری و همچنین مرطوب‌سازی درختانی کاشته‌شده است. علاوه بر وزارت جهاد کشاورزی که از طرف دولت مأموریت دارد با منشأ داخلی ریزگردها و گردوغبار مقابله کند، این وزارتخانه طرح تثبیت گردوغبار در کانون‌های جنوب و جنوب‌شرق شهرستان اهواز را به مؤسسه جهاد نصر واگذار کرده است و محدوده‌ای به مساحت تقریبی ۱۱۲ هزار هکتار را در اختیار دارند که تاکنون حدود ۴۲ هزار هکتار را اولویت اول خود قرار داده‌اند و در حال احداث کانال انتقال آب مجتمع پرورش ماهی آزادگان تا مجاورت آزادراه خلیج‌فارس و نزدیک هور منصوره هستند. یدالله شمایلی، مدیر مؤسسه جهاد نصر، درباره این پروژه گفته: «ما از امکانات روی کارون مثل ایستگاه پمپاژ و کانال بتونی آن که در منطقه جنوب اهواز موجود است، استفاده می‌کنیم. ۴۴۴ کیلومتر کانال را هم در ادامه این کانال بتونی تا مرکز فوق‌بحرانی کانون ریزگردها می‌بریم که می‌تواند ۲۰ مترمکعب در ثانیه به این اراضی آب منتقل می‌کند». مشکل تنها ریزگرد و قطع برق نیست، اهواز فاضلاب هم ندارد! دولت در تلاش است کار ساخت سومین تصفیه‌خانه فاضلاب بزرگ کشور را در شرق اهواز به اتمام برساند؛ طرحی که در سال ۸۸ شروع شد و قرار بود ۳۰ماهه به پایان برسد؛ اما به سد تحریم‌ها خورد. بانک جهانی به تعهد خود درباره این پروژه عمل نکرد و دولت دهم خود عهده‌دار تأمین مالی آن شد؛ اما هنوز افتتاح نشده است. فردوس کریمی، مدیرعامل آب‌وفاضلاب اهواز، اما از بهره‌برداری آن تا پایان سال گفت و اینکه با افتتاح این تصفیه‌خانه، میزان آلایندگی ورود فاضلاب‌های اهواز به کارون کاهش خواهد یافت و هفت هزار متر زمین کشاورزی را احیا خواهد کرد.

احیای طرح فراموش‌شده

سال ۹۲ که دولت تدبیر و امید بر سر کار آمد، حسن روحانی از احیای زمین‌های کشاورزی استان خوزستان گفت؛ طرحی که ۲۱ سال از زمان دستور آن می‌گذشت. سال ۷۰ بود که در سفر مقام معظم رهبری به استان خوزستان، دستور احیای زمین‌های کشاورزی این استان از طرف ایشان صادر شد. این طرح با نام «احیای ۵۵۰ هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی استان خوزستان و ایلام» تصویب شد؛ اما در فاصله سال‌های ۷۶ تا ۹۲، حدود ۷۵ هزار هکتار کشاورزی آن آماده شد. مهدی ضرغام، مدیر این پروژه، درباره اقدامات صورت‌گرفته گفت: «قبل از اجرا، زمین‌ها شوره‌زار بود و کشاورزی نداشتیم. آب این زمین‌های کشاورزی از رودخانه کارون تأمین می‌شود و کل طرح حدود پنج هزار مترمکعب آب مصرف می‌کند. زهکشی‌های زیرزمینی و روباز برای قابل بهره‌برداری‌کردن این زمین‌ها در این مناطق عملیاتی شده و زمین‌ها پس از تجهیز به کشاورزان تحویل داده شده است». دولت در تلاش است آب را برای کشاورزی شیرین کرده و گندم‌کاری را در آنجا احیا کند. کشاورزان از کارها ابراز رضایت نسبی دارند؛ اما دغدغه خودشان را دارند. یکی می‌گفت نمی‌دانیم این آب همیشگی است و دیگری از دست‌هایی می‌گفت که آب را به صورت منصفانه به آنها نمی‌دهد. یکی از مشکلات مالی و دست‌تنگی کشاورز می‌گفت و دیگری خواسته‌اش تنها در حد کمک دولت برای جدول‌کشی و بازکردن جوی آب بود. خواسته دولت و مسئولان و همه مردم جنوب، حل مشکلات است تا به روزی برسیم که «فلافل»، «سمبوسه» و «لب کارون» دوباره ما را یاد خوزستان بیندازد؛ نه «گردوغبار» و «ریزگرد».

ادامه از صفحه ۶

آیت‌الله جنتی گفت احمدی‌نژاد نامزد بشود، یعنی دنبال فتنه است

شورای نگهبان که ظاهرا به ضرر شما کار می‌کرد اما در نهایت عملکردش گاهی به نفعتان می‌شد چون در یک حوزه یک اصلاح‌طلب تأیید می‌شد با شش اصولگرا. یک نامزد اصلاح‌طلب. هرچه به آن پنج نفر می‌گفتیم به صلاح شما نیست چون باعث تشتت آرا می‌شوید، گوش نمی‌دادند.این مشکل را هم اصلاح‌طلبان دارند. الان ۱۴۵ نفر با لیست امید وارد مجلس شده‌اند اما در رأی‌گیری‌ها ۱۰۳ نفر با لیست امید همراه می‌شوند.

اگر معتقد بودید احمدی‌نژاد این همه تخلف داشته چرا هیچ وقت کار به استیضاح او کشیده نشد؟

این سؤال خوبی است. من هنوز هم می‌گویم آن زمان هم می‌گفتم که ما در جمهوری اسلامی یک بار رأی به عدم کفایت سیاسی ریاست‌جمهوری دادیم که بنی‌صدر بود؛ حقش بود و نوش جانش اما من آرزو می‌کنم تا زمانی که در قید حیات هستم، دیگر از این اصل هیچ مجلسی استفاده نکند چون خیلی هزینه‌های بالایی دارد. اما در عین حال نخستین سؤال از رئیس‌جمهوری توسط مجلس اصولگرا از احمدی‌نژاد شد. این را هم شما هنوز یک مورد نمی‌دانید؟ ممکن است شما بگویید باهنر در مجلس رأی نداشته است. خب این نظر شخصی شماست و من هم که اهل منم‌منم‌کردن نیستم، ولی بالاخره در مجلس یک نفوذرأیی داشتم. از هر کسی می‌خواهید بپرسید؛ از اصلاح‌طلبان تا اصولگرایان. یعنی باورتان این است که در مجلس چهار وزیر بیفتند و این خارج از اراده من باشد؟ واقعا باورتان این است؟ خیلی عجیب است. هیچ‌کس این تحلیل را ندارد، مگر شما داشته باشید که اشکالی هم ندارد.

یعنی فکر می‌کنید هزینه‌های ابقای احمدی‌نژاد کمتر از برکناری‌اش بود؟

اصلا. بعد از عزل بنی‌صدر می‌دانید چه هزینه‌هایی به کشور وارد شد؟ هفت تیر، هشت شهریور و... بسیاری از آنها بعد از عزل بنی‌صدر بودند.

الان که ماجراهای اصولگرایان و احمدی‌نژاد به اینجا رسیده است، پشیمان نیستید که ای‌کاش برای شهردارشدنش تلاش نمی‌کردید؟ و عامل برآمدنش نمی‌شدید.

بله، من منکر این نیستم که در رشد ایشان نقش داشتیم، اما یک نفر سؤال زیباتری از من کرد؛ گفت احمدی‌نژاد سال ۸۴ و ۸۸ چه فرقی داشت که دیگر از او حمایت نکردید؟ من گفتم که او فرقی نکرد، من اطلاعاتم درباره او بیشتر شد. احمدی‌نژاد روی یک کرسی‌ای نشست که ما او را در این کرسی تجربه نکرده بودیم.

خب این به نظر شما خبط بزرگی نیست؟ کسی که به قول شما ناشناخته یا کمترشناخته‌شده بوده را حمایت کردید تا شهردار شد و بعد هم رئیس‌جمهور؟

ایشان اگر استاندار هاشمی نشده بود، شهردار هم نشده بود.

او مدتی استاندار یک استان تازه‌تأسیس بوده، بعد هم برکنار شد و به کار دانشگاهی‌اش رسید. کسی ایشان را نمی‌شناخت. احمدی‌نژاد تا پیش از اینکه شهردار شود، یک فرد ناشناخته برای مردم ایران بود.

ما مسائل دیگری هم داریم. اول انقلاب، حضرت امام آقایی به نام قطب‌زاده را مدیرعامل صداوسیما کرد. ما در دانشگاه سر قطب‌زاده کلی با منافقین، همدیگر را می‌زدیم. ما دفاع می‌کردیم، آنها فحش می‌دادند. بعد از دوسال، قطب‌زاده در جریان کودتایی اعدام شد. منافقین می‌گفتند دیدید که دفاع می‌کردید؟ ما می‌گفتیم آن زمان درست دفاع می‌کردیم، الان هم که اعدام شد درست اعدام شد. الان خود من شاید ظرفیت این صندلی را داشته باشم، اما فردا اگر بلایی سر ملت نازل شود و من رئیس‌جمهور شوم، شاید ظرفیت آن صندلی را نداشته باشم. در نظاممان این‌قدر از این بالا و پایین‌رفتن‌ها بوده است. نمی‌خواهم بگویم خوب بوده. جاهایی باعث تأسف است.

آخرین بار کی احمدی‌نژاد را دیدید؟ در جلسات مجمع بوده؟ صحبت و گفت‌وگویی هم با هم دارید؟

بله، در مجمع این اواخر او را بیشتر می‌بینم. بیشتر هم در حد همین سلام و احوال‌پرسی است. صحبت خاصی با هم نداریم. این‌قدر که دیگر ارزش ندارد که بخواهیم بایستیم با او درباره اینکه فلان حرف را در فضای مجازی زده و شکایت کرده و... صحبت کنیم.

بقیه اعضا هم همین‌طور؟

بله، کمابیش. البته در یکی از جلسات قبل از دستور، آقای توکلی یک اعتراضی کرد، احمدی‌نژاد هم بود. گفت کجا را می‌خواهد احمدی‌نژاد بزند؟ کجا دارد می‌رود که بحث ادامه پیدا نکرد و خود احمدی‌نژاد هم پاسخی نداد. ما هم خیلی موافق بودیم که بحث ادامه پیدا نکند.

شما قبل از انتخابات گفته بودید که ما هنوز به احمدی‌نژاد نیاز داریم.

فکر می‌کنم اسفندماه بود. من حضرت آیت‌الله جنتی را در یکی از جلسات مجمع تشخیص دیدم. بعد از این بود که حضرت آقا سفارش کرده بودند که آمدن احمدی‌نژاد به مصلحت نیست. به آقای جنتی گفتم احمدی‌نژاد کاندیدا می‌شود. گفت واقعا کاندیدا می‌شود؟ گفت خبر داری؟ گفتم به‌هیچ‌وجه. فقط تحلیل دارم. آیت‌الله جنتی خیلی تعجب کرد و گفت اگر نامزد بشود یعنی به دنبال فتنه است. یادم هست آن زمان به کسی دیگر نگفتم.